

مادری، واکاوی تجربه زنانه و تأثیر ناباروری بر زندگی زنان

منیره فهیمی

گروه مطالعات زنان انجمن جامعه‌شناسی ایران، جلسه‌ی «مادری: واکاوی تجربه زنانه» با سخنرانی «مریم میرزائزاد» و «تأثیر ناباروری بر زندگی زنان» با سخنرانی «اعظم ذاکر مشفق» را روز دوشنبه ۱۳۸۸/۱۱/۱۹ در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، سالن کنفرانس انجمن جامعه‌شناسی ایران برگزار نمود.

در این جلسه با حضور خانم دکتر «شهلا اعزازی» برگزار شد. در این جلسه دو نفر از دانشجویان گروه مطالعات زنان، پایان‌نامه‌های خود را ارائه نمودند، سخنران اول خانم مریم میرزائزاد (کارشناس ارتباطات و کارشناس ارشد مطالعات زنان از دانشگاه علامه طباطبایی) بودند. پایان‌نامه‌ی ایشان جزء آخرین پایان‌نامه‌هایی است که به مسائل زنان توجه نموده است. همانطور که از عنوان برمی‌آید، بحث راجع به مادری است. اغلب از لحاظ فرهنگی این پیش‌فرض را می‌گیرند که مادری امری آسان است. همین فرض بود که کارشناسان علوم اجتماعی را به فکر بررسی تجربه‌ی مادری و اینکه چگونه این امر در میان زنان تجربه می‌شود، واداشت.

در بحث راجع به مادری دو دیدگاه مطرح است: بحث اسطوره مادری و فرض مادری طبیعی، که این دو در برابر هم قرار می‌گیرند. بحث اسطوره مادری از طریق نمادهای فرهنگی مردسالار القا می‌شود. اسطوره مادری را مهم‌ترین نقش و وظیفه برای زن مطرح می‌کنند و باعث می‌شود از سایر مسائل زنانه با اهمیت‌تر جلوه کند.

دیدگاه دوم بر تجربه‌ی مادری و نهاد مادری که نقشی متفاوت را برای مادری قائل می‌شود مطرح است.

این پژوهش در شهرستان جویبار و با استفاده از مصاحبه‌های عمیق انجام شده است و گروه‌هایی که در این مصاحبه‌ها انتخاب شده‌اند، همه‌ی اقشار جامعه را دربر می‌گرفته و به صورت تفکیک شده نبوده است، بلکه هم از زنان تحصیلکرده و هم از زنان با تحصیلات زیر دیپلم مصاحبه شده است؛ اما نکته‌ی جالب توجه در این پژوهش اینست که هم زنان تحصیلکرده هم زنان با تحصیلات پائین عقاید و احساسات مشابهی نسبت به این مسئله یعنی مادری دارند. تقریباً اکثریت زنان احساس خوبی نسبت به مادری و نقش مادری ندارند، بلکه همه به آن به شکل یک وظیفه نگاه می‌کند. به عنوان مثال یکی از زنان خانه‌دار که بسیار نسبت به نقش مادری در جامعه‌ی ما نقد داشت معتقد بود هر گاه در خیابان کودکی را در دست در دست مادرش می‌بیند، احساس ناخوشایندی به وی دست می‌دهد و این صحنه او را آزار می‌دهد که چرا زنان باید همیشه اسیر فرزندان خود باشند و مردان به راحتی به دنبال خواسته‌ها و علایق خود باشند. میرزاده همچنین تأکید داشت که مادری در جامعه‌ی ایران به عنوان یک وظیفه برای زنان تلقی می‌شود و این برای زنان مسئله‌ای آزاردهنده است و ندهایی بسیاری را به مسئله‌ی مادری در جامعه وارد می‌داند. وی معتقد است در جامعه‌ی ایران باید بازتعریفی از نقش مادری ارائه شود. همچنین میرزاده معتقد است نقش مادری در ایران با توجه به ارزش‌های فرهنگ و باورهای سنتی موجود با سایر جاها تا حدودی متفاوت است.

میرزاده تأکید می‌کند مادر شدن برای زنان در جامعه‌ی ایران اجبار است و زن به خاطر زن بودن مجبور است نقش مادری را بپذیرد و به وظایفی که برای آن در جامعه‌ی ایرانی و طبق ارزش‌ها و سنن ایرانی تعریف شده را بپذیرد، در حالی که این مسئله با دیدگاه‌های فمینیستی در مورد زنان در تعارض قرار می‌گیرد.

سخنران دوم جلسه خانم اعظم ذاکر مشفق (کارشناس مامایی و کارشناس ارشد مطالعات زنان از دانشگاه آزاد واحد شمال) بود، که موضوع پایان‌نامه‌ی ایشان بود.

ذاکر مشفق معتقد است پدیده‌ی ناباروری در کنار پدیده‌ی باروری مطرح می‌شود و پیرامون این مسئله از لحاظ

اجتماعی تحقیقات زیادی صورت نگرفته و بیشتر تحقیقات انجام شده در حوزه‌ی پزشکی بوده است؛ با توجه به اینکه ناباروری سلامت جسمانی فرد را تهدید نمی‌کند ولی سلامت روانی را مورد تهدید قرار می‌دهد و روابط اجتماعی افراد را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. در دنیا ۱۰ تا ۱۷ درصد ازدواج‌ها منجر به ناباروری می‌شود، ولی در ایران بیش از ۲۰ درصد ازدواج‌ها منجر به ناباروری می‌شود. البته آمار دقیقی در دسترس نمی‌باشد. ناباروری به دلایل مختلفی ممکن است در افراد بوجود آید؛ مانند الودگی هوا، افزایش سن، تغذیه و... زنان ۳۵ درصد و مردان هم ۳۵ درصد عامل ناباروری هستند. ۲۰ درصد ناباروری‌ها دلایل ناشناخته‌ای دارند. در حالی که باروری یکی از کاربردی‌ترین دلایل ازدواج بوده است. در قرون وسطی در اروپا مرد مجاز بود باروری زن را قبل از ازدواج تست کند. در ایران هم اهمیت فرزند خیلی زیاد بوده است، به طوری که «داریوش» در کتیبه‌اش کسی که باعث خرابی کتیبه‌اش شود اینگونه نفرین می‌کند که خداوند وی را از نعمت فرزند محروم کند؛ همچنین «جلال ال احمد» در کتاب «سنگی بر گوری» می‌نویسد: هر آدمی سنگی است بر گور پدر خویش، این‌ها همه اهمیت باروری در فرهنگ ایرانی را بیان می‌کند.

ذاکر مشفق در این پژوهش از نظریه‌ی گافمن استفاده کرده است و ناباروری را همچون داغی قلمداد می‌کند که فرد بر خود حمل می‌کند و بر سلامت روان فرد تأثیر می‌گذارد. اما وی در زمینه‌ی اینکه چرا فقط زنان را مورد مطالعه قرار داده معتقد است: ۱- به خاطر اینکه خود شخص محقق زن بوده است و کسب اطلاعات از مردان تا حدودی غیرممکن بود و ۲- فشاری که زن در ناباروری در زندگی مشترک متحمل می‌شود بسی بیشتر از فشاری است که بر مرد وارد می‌آید. در این تحقیق کسانی که اصلاً صاحب فرزند نمی‌شوند مورد بررسی قرار گرفتند و نمونه‌های تحقیق از ۱۶ مرکز دولتی، خصوصی و نیمه‌دولتی انتخاب شده‌اند. مراکز دولتی معمولاً هزینه‌ی کمتری را برای افراد ایجاد می‌کرد. وی معتقد است این تحقیق چون یک تحقیق کیفی بوده است قابل تعمیم به همه‌ی ناباروان نیست. سن زنان مصاحبه شده بین ۲۰ تا ۴۵ سال می‌باشد و بیشترین گروه سنی مراجعه کننده در گروه سنی ۳۰-۴۰ ساله قرار داشتند. ۳۳ درصد زنان مراجعه کننده دارای تحصیلات بالا بودند و یک چهارم زنان مراجعه کننده شاغل بودند.

ذاکر مشفق معتقد است مراجعین به مراکز دولتی از پایگاه اقتصادی پائین‌تری برخوردار بودند و نکته‌ی جالب توجه این بود که ۸۰ درصد مراجعه به مراکز دولتی به دلیل ناباروری زنانه بوده است و در مراکز خصوصی مراجعین ناباروری زنانه زیر ۵۰ درصد است.

محقق معتقد است زنان نابارور برخی از امتیازات خود را به واسطه‌ی درمان ناباروری از دست داده‌اند؛ وی معتقد است معمولاً زنانی که در کنار خانواده‌هایشان زندگی می‌کردند مشکلات اجتماعی بیشتری داشتند و نوع ازدواج تأثیری در مشکلات زناشویی افراد نابارور نداشته است. در زندگی افرادی که ۱۰ سال یا بیشتر از زندگی زناشویی آنها می‌گذشت پرخاشگری و میل به تنهایی به شکل شدیدی وجود داشت. اکثریت این زنان قبل از مراجعه به پزشک عامل ناباروری را خودشان می‌دانستند. اکثر مراجعین می‌خواستند مسئله‌ی ناباروری آنها پنهان بماند، اما بعد از یکسال این مسئله برای همه آشکار شده است. همچنین چه مرد و چه زن عامل ناباروری باشد حضور زن در مراکز درمانی خیلی بیشتر از مردان خواهد بود.

در این پژوهش زنان نابارور بیشتر وظایف خانوادگی زن را در اولویت قرار داده بودند و بیشترین وظیفه‌ی ای که برای زن در نظر گرفته می‌شد همسررداری بود، در حالی که در تحقیق پیشین که رفعت جاه و ساروخانی انجام داده بودند، وظیفه‌ی اول زن را مادری می‌دانستند. مهم‌ترین ترس زنان نابارور، ترس از طلاق است، در حالی که هیچ کدام از زنانی که مردان عامل ناباروری بودند حرفی از طلاق نمی‌زدند.

مشکلات اجتماعی که این زنان با آن مواجهه‌اند بسیار زیاد است؛ از جمله عمده‌ترین این مشکلات رویارویی با دنیای باروری است و مشکلات که در این مسیر جامعه سد راه آنها قرار می‌دهد. هیچ کدام از زنان نابارور از همسران خود شاکی نبودند اما از زنان اطرافیان خود بسیار شاکی بودند، یعنی نوعی اعمال قدرت از زنان بر زنان وجود داشت. در این پژوهش چیزی که بیشتر از همه خود را نشان می‌داد تغییر کارکرد و نقش کودکان در خانواده‌های ایرانی بود که کودکان تبدیل به عامل سرگرمی می‌شوند که یکی از نظریات جدیدی است که در جامعه‌شناسی مطرح است.